

بسمه تعالی

امامت و رهبری در کلام امیر مؤمنان علی (ع)

یکی از موضوعات بسیار عمیق، ارزشمند و گرانبهای نهج البلاغه موضوع امامت و مسائل مربوط به آنست.

نهج البلاغه خود تبلور فرهنگ امامت و ولایت و تجلی روح بلند علوی سلام ... علیه است.

در نهج البلاغه جلوه های گوناگون امامت و حاکمیت اسلامی بوضوح قابل مشاهده و درک است. امام (ع) چه بعنوان امام و ولی امر مسلمانان و چه در

منصب ولایت الهی و ولی الله در ابعاد گوناگون ملکی و ملکوتی امامت و نیز در جریان شناسی حوادث آن روزگار و دستهای پلیدی که در برابر

امامت حقه ایستادند و عناصر فرصت طلب و قدرت خواه را بر مسند خلافت نشانند و یا عناصر جاهل و متحجر که در اثر جهالت و جمود در برابر

امامت آنحضرت موضع گرفته و کار شکنی کردند. در ادامه به تشریح و توضیح و تبیین نظام حکومتی اسلام و ویژگیهای والی و حاکم و زمامدار

اسلامی در برابر دیگران و مدعیان دروغین می پردازد. و قولا و عملا چهره امامت اسلامی را از چهره های فریکاران و دغلبازان نمایان می سازد و

ویژگیها و خصوصیات هر یک را بطور کامل و دقیق تبیین و با شرایط روزگار منطبق و تطبیق می نماید.

و در این رابطه نقش بسیار مقدس و ملکوتی اهل البیت (ع) و عترت و خاندان بزرگ عصمت و طهارت (ع) و ویژگیها و فضائل و کرائم آن

بزرگواران را نشان می دهد. تا چراغ راه و صراط مستقیم ایمان و هدایت و راهنمای اسلام اصیل محمدی (ص) و قرآن ناب احمدی (ع) باشد. و طلا

از مطلا و خالص از ناخالص و طیب از آلوده و سره از ناسره باز شناخته شود.

در بیانی نورانی آن حضرت می فرماید: یحتاج الامام الی قلب عقول و لسان قزول و جنان علی اقامه الحق مسؤول (غرالحکم).

امام به قلبی بسیار خردمند و زبانی بسیار گویا و پرتوان و دلی سخت پر جرأت و قاطع بر اقامه حق نیازمند است.

آری: "قلب عقول و زبان گویا و جنان شجاع".

در نهج البلاغه جلوه هائی از دو اصل امامت و عدالت در گفتار و رفتار و سیره و عمل اهل البیت (ع) نشان داده می شود. و جریانهای انحرافی و

ساختگی و منافق و بدعتگذار باز شناسی و نقادی می شود. و نقش و جایگاه امامت راستین و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در برابر نقشه ها

و دسیسه ها و توطئه ها بطور وضوح تبیین می گردد. و جنود حق و سپاهیان باطل و ائمه نور و منادیان ظلمت معرفی می گردد.

امام بعنوان اسوه مکتب و الگوی عملی و عینی امت اسلامی و ارزشهای الهی است. امام تجسم فضائل و مکارم و کرائم اخلاق و پیشوای عدالت گستر

و مجری عدل و قسط و حافظ احکام و تعالیم اسلام و انسان کامل و وارسته از همه آلودگیها و مظهر اسماء حسنا الهی و مرزبان احکام و معارف

حقه الهیه است. آری؛ امام در سیمای شاه بیت مصحف امامت - علی (ع) - عصار مکارم و محامد اخلاقی و تجلی ملکات عالیه انسانی و تندیس

اشرفیت خلایق عالم است .

« ... و فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن ... »

در نهج البلاغه اصول و مبانی و ابعاد این مسائل بازگو و باز شناسی می شود. و اهل البیت (ع) الگوی تمامی ارزشها و فضائل الهی و محور مقابله با ظلم

و استبداد و استکبار و فساد و تباهی شناسانده می شود.

امام قافله سالار اولیاء خدا و کاروان دار بندگان خالص اوست. امام و رهبر در فرهنگ اسلامی چراغ هدایت و صراط مستقیم الی الله و تجلی عبودیت

و بندگی خداوند مَنان و مظهر فلاح و رستگاری است.

چند موضوع در این رابطه و در نهج البلاغه شریف قابل بحث و بررسی و تأمل و تدبر است. از جمله بحث امامت اهل البیت (ع)، سیره و سنت امام، اهل البیت (ع) و منحرفان و طاغیان و باغیان و جریانهای انحرافی فراوان دیگر شرایط مربوط به حاکم و زمامدار اسلامی، نقش مردم، از جمله این مباحث بحث امام عصر (عج) در نهج البلاغه شریف و در خطب مربوط و در خلال بیانات و ارشادات آنحضرت و در اثناء مباحث و خطب ملاحم و اخبار غیبی نهج البلاغه و یا دیگر مباحث ارزشمند و متعالی این کتاب شریف است.

اینجانب در این گفتار می خواهم به بیانات و اشارات و ارشادات آنحضرت در رابطه با امام عصر (ارواحنا فداه) بپردازم و نکاتی را در این رابطه یاد آور شوم:

الف - اینکه انجام امر جهان و حاکمیت و زمامداری بدست اهل البیت (ع) خواهد افتاد و بشریت در آستان اهل البیت (ع) خواهد سائید. [و از دیو و دد ملول است و انسانش آرزواست.]

و ارجاع به و عده الهی و نوید پیامبران (ع) است. همانا خداوند می فرماید [و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون]. "در کتاب زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان صالح خداوند به ارث خواهند برد."

و این وعده قطعی و حتمی خداوند است. که سرانجام صالحان براریکه قدرت خواهند نشست و جهان را عدالت فرا خواهد گرفت و دست جباران کوتاه خواهد شد و جامعه بشری گمشده خود را باز خواهد یافت.

در نهج البلاغه امام (ع) می فرماید. [لتعطفنّ الدنيا علينا بعد شمسها عطف الفروس علی ولدها]

همانا دنیا بعد از سرکشی بما رو خواهد کرد. و انعطاف نشان خواهد داد. همانند انعطاف شتر چموش و سرکش نسبت به فرزند خود. در این بیان نورانی امام (ع) به بازگشت نهائی دنیا به دامان اهل البیت (ع) و تسلیم در برابر حق و صالحان از خاندان نبوت (ع) اشاره فرموده و اینکه سرانجام جامعه بشری در برابر حق تسلیم خواهد شد. و به حکومت صالحان و عدالت جهانی رو خواهد آورد. و ناسازگاری ها و قدرت طلبی ها تداوم نخواهد یافت. و سرکشی و طغیان پایدار نخواهد ماند. که: "ان الارض یرثها عبادى الصالحون". آنحضرت پس از این بیان آیه شریفه "و نرید ان نمّن علی الذّین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الوارثین" را تلاوت فرمودند. که خود این آیه کریمه نیز به وجود نورانی امام عصر (عج) تفسیر شده است. ب - در بیان دیگری آنحضرت میفرماید:

... و ما اقرب الیوم من تباشیر غدٍ یا قوم هذا ورود کلّ موعودٍ و دئو من طلقه مالا تعرفون الا و ان من ادرکها منّا یسری فیها بسراج منیر و یحذو فیها علیٰ مثال الصالحین...

چقدر نزدیک است امروز به بشارتهای فردا (به صبحگاه های فردا) آنچه را خداوند وعده فرموده. "الیس الصبح یقرب" نوید طلوع صبح امید و پیروزی حق پرستان."

ای مردم. اینک وقت و آغاز ورود هر آنچه بدان وعده داده شده اید خواهد بود. و هنگام نزدیکی طلوع و درخشیدن و ظهور آن چیزی است. که آن را نمی شناسید.

طلقه مالا تعرفون. طلوع خورشید حقیقت. طلوع سپیده صبح امیدواران طلوع موضوعی که برای شما شناخته نیست و از غیب عالم است.

آن حوادث و شرائط ظهور و تحولات عصر ظهور برای شما ناشناخته است.

احتمال نیز داده می شود که این عبارتها اشاره به فتنه های بعد از آن بزرگوار و یا فتنه های آخر زمان باشد.

"آلا و ان من ادرکها منّا یسری فیها بسراج منیر"؛ آگاه باشید. کسی که از ما آن فتنه ها را درک می کند. در آن فتنه ها با چراغ روشن حرکت خواهد کرد. و پا جای پای صالحان خواهد گذاشت و همانند صالحان حرکت خواهد کرد.

و علیّ ۱ مثال الصالحین که مصداق آن رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) خواهند بود. او نیز تداوم بخش راه آن بزرگواران خواهد بود. و از

آرمانهای شایستگان پیروی خواهد کرد. تا در آن فتنه ها گره ای را باز کند. و بنده ای را آزاد کند. و در میان کفر و شرک و الحاد شکافی ایجاد نماید. و در میان مؤمنان و اهل ایمان وحدت برقرار سازد.

این عبارتها و عبارتهای بعد می تواند چندین مصداق داشته باشد.

الف - امامان پس از آن بزرگوار تا قیامت

ب - علما و بزرگان دین و اصحاب یقین

ج - مؤمنان راستین و صالحان از امت

د - وجود مبارک ولی عصر ارواحنا فداه

فتنه ها نیز می تواند به فتنه های بنی امیه و بنی العباس تا فتنه های آخرالزمان و عصر ظهور اشاره داشته باشد.

لیکن به نظر می رسد با عنایت باینکه خطبه در مقام بیان ملاحم و پرده برداری از حقایق آینده جامعه بشری و نقش اهل البیت (ع) در آینده و در

هدایت امت است و با عنایت به کلمات بسیار عمیق و پرمعنای آلا و من ادرکها منّا (از ما خانواده)؟...؟ انطباق آن با وجود نورانی ولی عصر ارواحنا فداه نزدیک تر به واقع باشد.

تعبیرهای "یسری فیها بسراج منیر".

شب روی است که با چراغ روشن و نورانی حرکت می کند.

در قرآن کریم سراج و هاج به رسول اکرم (ص) اطلاق شده است.

مصداق سراج منیر نیز در بیان آنحضرت در حد ائمه اهل البیت و مهدی آل محمد (ع) است.

"و یجد و علیّ مثال الصالحین".

مصداق آن و حرکت در سمت و سوی صالحان و بر مثال صالحان از دیدگان قرآن و نهج البلاغه و معارف اسلامی وجود مبارک آنحضرت و خلص عبادالله است.

"اولئک الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً"

بنظر آنحضرت اشاره به آیه کریمه قرآن دارد. که فرمود: ان الارض یرثها عبادی الصالحون .

در توصیفات بعدی اقدام های دیگر آن بزرگوار را بیان می فرماید:

و آن آزاد کردن بردگان و بندگان از قید و غم غیر خدا و گشودن گره های امت اسلامی و جامعه بشری و گسستن پیوندهای غفلت و جهالت از

یکسو و برقرار کردن محیط امن و سلام و آزادی از سوی دیگر است.

این جملات چه بسا نظیر تعبیر قرآن کریم راجع به رسول اکرم (ص) باشد که فرمود: "یضع عنهم امرهم والاغلال الّتی کانت علیهم"؛ بارهای گران و غل ها و زنجیر های اسارت و بردگی و جاهلیت را از دوش آنها بر می دارد.

امام عصر (عج) نیز بندها و طنابهای اسارت و غفلت و جهالت و وابستگی را باز می کند. و بردگان و بندگان خدا را که در دام شیاطین گرفتار آمده اند آزاد می سازد.

بساط وابستگی ها و اسارت های روحی و فکری و اعتقادی و سیاسی جمع می شود. و بردگان از قیود بندگی غیر خدا آزاد می شوند.

این تحوّل در جهان کاری است بزرگ و کارستان. و این وعده خداوند متعال است باینکه امر امت برای آنحضرت در اسرع وقت سامان خواهد یافت و این تحوّل روحی و معنوی و الهی منشأ تحولات دیگر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خواهد شد. و بشریت در مسیر تکامل واقعی و تعالی الهی قرار خواهد گرفت. و «یصدع شعباً»....

شعب کفر و نفاق و استکبار و صهیونیزم که با یکدیگر گره خورده اند و از یکدیگر پشتیبانی می کنند. و عمال شیاطین که در مقابله و ستیز با اسلام علوی و قرآن محمدی (ص) در جنگ و جدال هستند. به برکت آنحضرت متفرق خواهند شد. و شکاف در میان آنها خواهد افتاد. و بجای همگرایی بسوی واگرایی خواهند رفت. و دوستان و پیروان و امت اسلامی و آزادیخواهان عالم باهم یکصدا و متحد و هم جهت خواهند شد.

آری در میان دوستان آنحضرت و جبهه توحید همگرایی و وحدت حاکم خواهد شد.

و به برکت قیام و هدایت آنحضرت جبهه کفر دچار سردرگمی و تفرقه و شکاف خواهد شد.

و این از تحولات شگرف جامعه بشری خواهد بود.

صف ها از یکدیگر متمایز، همگرایی در یک طرف و واگرایی در طرف دیگر شکاف و تشّت در میان گمراهان و فتنه گران و منحرفان.

اتّحاد و انسجام در میان دوستان و رهروان و رهپویان. با محوریت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و رهبری شایسته از خاندان آل پیامبر (ص).

البته این جملات می تواند اشاره به عصر غیبت نیز داشته باشد. که آنحضرت مانند خورشیدی در پس ابرها به هدایت و عنایت و تدبیر امور اهتمام دارند. و امر ولایت امت با آن بزرگوار است و شاهد و حاضر و ولی و والی و دیده بان الهی و چراغ هدایت انسانیت و صاحب مقام ولایت تکوینی و تشریحی و قلب عالم وجوداند. و نسبت به دوستان و رهروان همواره لطف و عنایت دارند.

آنحضرت پنهان از مردم عمل می کند. بگونه ای که کسانی که پی گیری می کنند آثار آن را نمی بینند گر چه اصرار بورزند.

در آن شرائط گروهی چنان در درک و ادراک و بصیرت و ایمان و معرفت و حضور و شهود خود را بسازند و بر بصیرت و معرفت خود بیفزایند

همانند آهنگری که شمشیر را تیز می کند. شمشیر فکر و ادراک و بصیرت آنان نیز همانند شمشیر تیز و تیز بین و هشیار خواهد شد. البته چشمان آنان با نور قرآن بصیرت خواهد یافت.

"تجلیٰ بالتّزلیل البصّارهم"

و در گوشه های ایشان تفسیر قرآن طنین انداز خواهد شد. و در شامگاهان از کاسه حکمت بنوشند. پس از آنکه در صبحگاهان از جام حکمت و معرفت نوشیده اند.

آری صبح و شام و بصورت مستمر از تجلیات رحمانی و عنایات الهی و الطاف ربانی و مواهب آسمانی بهره مند و متعم اند. تا هنگامی که زمان مقدر و وعده الهی فرا برسد.

ایشان با صبر و شکیبایی خود بر خداوند متنی ندارند. و بذل جان را در راه حق بزرگ نمی شناسند. آری اهل صبر در راه خدا و ایثار و جهاد و فداکاری اند. تا قضا و تقدیر الهی فرا برسد. و مدت بلا پایان پذیرد. آنها بصیرت های خود را بر شمشیرهای خود حمل خواهند کرد. و به امر راهنما و اعظشان به پروردگار تقرب جسته و تسلیم امر او می باشند. ظاهراً و اعظ کتایه و اشاره به حضرت بقیه الله امام عصر (عج) دارد.

آری چون اجل به پایان رسد. و گروهی در فتنه ها آرمیده باشند. و از قیام در راه خدا و جهاد با دشمنان خدا دست بردارند. و با بهانه یا فرار از مسئولیت و یا راحت طلبی و یا این پندار که فایده ندارد. از باردار ساختن و روشن کردن آتش جنگ با فتنه انگیزان دست کشیده باشند. و به خمود و جمود و عزلت و گوشه نشینی و گوشه گیری پناه بردند. و خود را از درگیر کردن با جنگ و برانگیختن آتش مبارزه و جهاد با دشمنان خدا کنار کشیدند و بنوعی از خود رفع مسئولیت کردند.

خداوند متعال انسانهای با حکمت و درایت و بصیرت را بر خواهد انگيخت (مفاد آیه شریفه یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأس الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اغرة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم ذالک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم. تحلیل و تفسیر این قبیل بیانات و تحولات اجتماعی و سیاسی دهه های اخیر در رابطه با انقلاب اسلامی و تحولات عراق و لبنان و فلسطین و پیروزی و مجاهدات انسانهای فداکار و بصیر و عارف بالله خود نمونه هائی از آن حقیقت کلی و فراگیر و تحولات عظیم جهانی را نشان میدهد.

اینکه در صبر و شکیبایی بر خداوند منت نمی گذارند. (لم یمنوا علی الله بالصبر) اینکه انفاق جان در راه دوست برای آنها آسان و مرگ و شهادت در کام ایشان شیرین است. (و لم یستعظموا بذل انفسهم فی الحق).

اینکه دوران بلا و امتحان و آزمایش انسانها پایان برسد. و قضا و قدر الهی فرا برسد. و وقت و شرائط و زمان این تحوّل عظیم الهی فراهم شود.

و استعدادها و ظرفیهای به بلوغ برسند. و بشریت آمادگی لازم را برای این زایش بزرگ پیدا کنند. و دردها و رنجها و بلاها او را بسمت آمادگی برای حضور عدالت - گستر واقعی فراهم سازد.

و همه در انتظار منجی موعود باشند. و یا آمادگی لازم برای این تحوّل بزرگ ایجاد شود.

اینکه انسانهای با بصیرت و سیراب از چشمه های علم و حکمت و معرفت برای یاری دین خدا قیام کنند و بصیرت ها را بر شمشیرها حمل کنند.

شمشیرها را با بصیرت بردارند و با بصیرت بزنند. در برابر زورگویان و قلدرها که نه از روی بصیرت اسلحه بر می دارند و نه از روی بصیرت دست به اسلحه می برند. بلکه بر اساس هواها و هوسها و قدرت طلبی از اسلحه استفاده می کنند.

اما در نهضت و قیام جهانی مهدی موعود (عج) اسلحه ها در دست مردان با بصیرت است. و از روی بصیرت بکار گرفته میشود. و در جهت اسرار و

علوم الهی و حقایق قرآنی و عدالت جهانی بکار گرفته شود. و برای حاکمیت حق و پاسداری از حقوق مظلومان و ستمدیدگان باشد. نه برای

زورگویی و قلدری و تجاوز و تجاسر و مانند آن.

آری در عصر ظهور امکانات و تجهیزات نظامی در خدمت حق و بصیرت و عدالت خواهد بود. و برای تقویت ایمان و معرفت و اجرای عدالت از آنها

استفاده خواهد شد.

ج - "يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى" و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى؛ آن بزرگوار هواها را ابسمت هدايت معطوف مى سازد پس از آنکه هدايت معطوف به هواها شده است، و آراء و اندیشه ها را بسوى قرآن بر مى گرداند، زمانیکه قرآن را به آراء و نظريات ساختگی خود بر مى گرداند.

آرى آن بزرگوار مردى را که از مسير نورانى و قرآن و حق و عدالت منحرف شده بودند و از هواها و هوسها و تمايلات نفسانى و وساوس شيطانى و نفس اماره پيروي کردند به راه هدايت الهى و صراط مستقيم والايه آسمانى هدايت مى فرمايد. و آراء مخالف قرآن کریم و تفاسير به رأى و دیدگاه هاى غلط و سلیقه اى و نظريات فاسد و باطل را به سمت قرآن هدايت مى نمايد. و اين از ویژگی بزرگ آنحضرت است :

۱- هواها را بسمت هدايت بر مى گرداند.

۲- آراء را بسوى قرآن هدايت مى کند.

در حالیکه آنها بعکس کرده بودند و قرآن را بر اساس هواها تفسير مى کردند و هدايت را بر اساس نفسانيت و هواها سوق میدادند.

اين پيمان نورانى بطور دقيق عنايت و اشاره دارد، به وجود مبارک امام عصر اروحا فداه و رسالت عظيم آن بزرگوار در احياى قرآن کریم و احياى هدايت الهى در برابر تحريفها و انحرافها و بدعتها و التقاطها و تحجرها که قرآن را بر اساس رأى و نظر و سلیقه تفسير مى کنند و هدايت الهى را نيز بر

اساس هواها توجه و تأويل و تعبير مى نمايند. ط ۱۳۸

در دنبال اين بيان نورانى سخن ديگرى از آنحضرت آماده که مطلب فوق را تأييد و تکميل نموده و خود نيز بيان ديگرى در رابطه با برنامه هاى امام زمان (عج) و تحولات عصر ظهور است.

"ألا و فى غدٍ و سيأتى غداً بما لا تعرفون - يأخذوا لوالى من غيرها عمّا لها على مساوى اعمالها و تخرج الارض اقاليد كيدها و تلقى اليه سلماً مقاليدها، فيريكم كيف عدل السيره و يحيى ميت الكتاب و السنه".

آگاه باشيد، در آينده اى که در پيش است. و زود باشد فردا و فرداها حوادث را با خود پيش آورد که شما نمى شناسيد.

حاکم و زمامدار (اسلامى) کارگزاران را بر زشتى اعمالشان مؤاخذه مى کند. (سلامت و صلاح بر گار گزاران و حاکمان حاکم خواهد بود. و دست فاسدان و مفسدان از سر مردم کوتاه خواهد شد. و نظام حکومتى از صلاح و سداد و سلامت و عدالت برخوردار خواهد بود.) و زمين پاره هاى جگر خود را بيرون مى ريزد. و تمامى کلیدهاى خود را در کمال تسليم در اختيار آنحضرت قرار خواهد داد. کلید گنجهاى الهى و ذخاير زمين و آسمان و در بهار رحمت و عنايت حضرت حق و تحولات عظيم الهى و تحولات عظيم صنعتى و مديريتى در جهان بوجود خواهد آمد.

۳- گنجينه هاى زمين و کلیدهاى رحمت و کرامت حق و منابع ظاهرى و باطنى همه و همه در اختيار آنحضرت قرار خواهد گرفت. و کلیه ظرفيتها و استعدادها به فعليت مى رسد و مغزها و فکرها تکميل و صنايع الهى در ميان انسانها به اوج کمال خواهد رسيد.

و از کلیه ظرفيتهاى انسانى و طبيعى به نحو مطلوب و احسن بهره بردارى خواهد شد و همه چيز رنگ و بوى الهى خواهد داد. و در جهت اهداف عاليه ربوبى بکار گرفته خواهد شد. و نظام آفرينش در راستاى اهداف بلند خلقت به پروار خواهد آمد. و عقلا بيدار - دلها روشن، چشم ها بينا و گوشها شنوا و همه تسليم امر واعظ بزرگ خلقت و خاتم اوصياء الهى حضرت صاحب الزمان خواهند بود.

"و دانوا ربهم بامر و اعظهم"

آنگاه حاکم عادل و عدالت پرور به جهان و جهانیان نشان خواهد داد که: قیر یکم کیف عدل السیره و یحی میت الکتاب و السنه؛ در این موقع عدالت در سیره را نشان خواهد داد و کتاب و سنت مرده را احیا خواهد کرد. بامید آن روز.

کارگزاران آنحضرت امین ترین، پاک ترین، عدالتخواه ترین و خدمتگزارترین انسانها خواهند بود. و دست فاسدان و مفسدان و جباران را از سر جوامع انسانی کوتاه خواهد نمود. روشن است که تحقق عدالت فراگیر و جهانی جز در سایه دستگاه حکومتی عدالتخواه و عدالت پرور محقق نخواهد شد. و

چنانچه نظام حکومتی و مدیران در سطوح گوناگون و کارگزاران از عدالت لازم برخوردار نباشند نمی توان انتظار داشت که چرخها بسمت عدالت

حرکت کند. در گذشته تاریخ اسلام نیز این معنا را در ابعاد مختلف شاهد هستیم. آنگاه که انسانهای پاک و برگزیده ای مانند سلمان فارسی یا مالک

اشتر و یا عثمان بن حنیف انصاری و یا هارث همدانی و ده ها کارگزار دیگر حکومت اسلامی و علوی (ع) دست بدار می شدند. تاریخ در برابر حسن

عدالت و زهد و قناعت امثال ایشان انگشت حیرت بلندان می گزد.

باید مخالف با هوا و مطیع امر مولا باشند. باید امین دین و دنیا باشند. باید عارف به حلال و حرام باشند. باید از خود صیانت کنند. و عامل به احکام

نورانی اسلام باشند. و باید امانتدار و پاسبان حریم عدالت و تقوی باشند. البته عناوین یاد شده و عناوین فراوان دیگر همه در روایات آمده است.

البته این مضامین متعالی در صدها حدیث و آیه قرآن کریمه آمده است.

۴- عدالت گستری و احیای کتاب و سنت، عطف هواها و هوسها و تمایلات بر هدایت الهی و عطف آراء بر حقایق نورانی قرآن کریم و اینکه زمین

گنجینه های خود را برای آنحضرت بیرون می ریزد. و در اختیار آنحضرت قرار می دهد و یا شاید بتوان گفت با توسعه علوم و فنون در عصر آن

حضرت بشریت از کلیه ظرفیتهای نظام آفرینش بنحو احسن استفاده خواهد کرد. و عقلها بیدار می شود. و دلها زنده می گردد. و چشمها بصیرت می

یابد. و همه چیز در جهت الهی بکار گرفته می شود. و با فقر و فساد تبعیض مبارزه می شود. با کارگزاران نامناسب برخورد می شود. و صلاح و

سلامت و عدالت در کلیه شؤون جامعه بشری حاکم می گردد. و دست طاغوتیان قطع می شود. و میدان برای خدمتگزاران و امانتداران آماده می

گردد.

ه - در بیان دیگر آنحضرت می فرماید:

آلَا أَنْ مَثَلُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَثَلِ نَجُومِ السَّمَاءِ إِذَا خَوِيَ نُجُومٌ نَجْمٌ فَكَانَ كَمِ قَدِّ تَكَامُلَتْ مِنَ السَّرْفِيكِمِ الصَّنَائِعِ وَارَاكِمَ مَا كُنْتُمْ

تَأْمَلُونَ.

آگاه باشید مثل خاندان پیامبر (ص) در میان شما مثل ستارگان آسمان است که هر گاه ستاره ای غروب می کند. ستاره ای دیگر طلوع می نماید.

چنانچه می بینیم در پس این تحولات صنایع الهی در میان شما به تکامل نهانی رسیده است. و استعدادها به برکت عنایات خداوند منان شکوفا شده و

آنچه جزء آرزوها و آرمانهای الهی است لباس عمل و تحقق پوشیده است.

اینکه آن بزرگواران صنایع پروردگارند. و مردم دست پروردگان ایشان "فَأَنَا صَنَائِعِ رَبِّنَا وَ النَّاسُ بَعْدَ صَنَائِعِ لَنَا"

اینکه ایشان واسطه در فیض اند و قلب عالم امکان و اینکه مردم تربیت یافتگان و دست پروردگان ایشان باید باشند. و همانگونه که در عالم تکوین

سرسرفره رحمتشان هستند در عالم تشریح نیز باید مطیع ایشان باشند.

در این خطبه امام(عج) می فرماید.

آری آن زمان فرا خواهد رسید که به برکت فضل و عنایت الهی صنایع الهی در جامعه بشری تکمیل شود. و تکامل یابد.

و آرمونها لباس عینیت بیوشند.!!؟

و این جز در سایه ظهور بدورالسرور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نخواهد بود.

و - "قد لیس للحکمه جنتها و اخذها و بجمع ادبها من الاقبال علیها و المعرفة بها و التفرغ لها..."

آن بزرگوار آن انسان کامل و وارسته سپری از حکمت را پوشید و آنرا با تمامی آداب آن فرا گرفت او فارغ البال در خدمت حکمت بود. و نسبت به

آن معرفت کامل داشت. و خود را فارغ برای وصول به آن کرده بود. پس حکمت گمشده اوست که آنرا جستجو می کرد. و حاجت و نیاز او بود. که

آنرا طلب می نمود، آن انسان کامل در غربت اسلام غریب است. مانند: شتری که قدم بر زمین گذاشته و سینه را بر زمین نهاده و از ناتوانی بحالت

نشسته قرار گرفته. آن انسان عارف بالله بقیة ا... از بقایای حجج الهی و جانشینی از جانشینان پیامبران اوست.

"بقیة من بقایا حجّة و خلیفة من خلائف انبیاءه."

در توضیح این فرازاها از خطبه شریف ۱۸۳ نهج البلاغه یاد آوری چند نکته لازم است.

۱- این خطبه در هفته آخر عمر شریف آن حضرت ایراد شده و بنحوی خبر از شهادت خود آن بزرگوار نیز در آن مشاهده می شود. و براحت استهلال

خطبه با کلمه الحمد لله الذی اله مصاع الخلق و عواقب الامر آمده است. و بحث فراق یاران و بحث بی وفائی دنیا و اینکه اگر بنا بود کسی در دنیا

جاودانه بماند. این خاص سلیمان بن داود (ع) بود لیکن او هم چون تقدیر و اجلس رسید، به لقاء الهی شتافت نکات دیگر نیز در این رابطه به چشم می

خورد تعریض به مستکبران و فراغنه و قلدرهای عالم و نیز درس بزرگ راهیان نور و اولیاء خدا که (از مع الستر حال عباد الله الاخیار).

۲- لذا بنظر می رسد. حضرت که در این بخش از خطبه حضرت اشاره به حضرت بقیة ا... (عج) و ابعاد شخصیتی و سیره و سلوک آن بزرگوار داشته

باشند.

۳- صفاتی که در این بخش آمده بطور کامل و جامع در آنحضرت جمع شده و تأکیدات سخن با آنحضرت منطبق است.

۴- "قد لیس للحکمه جنتها"، جنة یعنی سپر اگر حضرت می فرمود - "قد لیس للحکمه نیز صحیح بود لباس حکمت را پوشیده است لیکن استحکام

جنتها را نداشت. معلوم می شود حکمت درجات و مراتبی دارد. آن مرحله سخت و در مقام کارزار است که انسان سپر می پوشد - آن انسان الهی نیز

سپر حکمت را در برابر هر گونه غفلت و جهالت و تمایلات پوشیده است.

۵- و با تمامی آداب آن آنرا اخذ نموده. مؤدب به تمامی آداب حکمت است.

بحث آداب حکمت و آداب هر چیزی آنهم تعبیر حضرت که می فرمایند بجمع ادبها با تمامی آداب آن باز نشاندهنده انسان کامل و ولی ا... اعظم

ارواحنا فداه است. چون اخذ بجمع ادب حکمت درباره دیگران کمتر صادق است.

۶- اقبال کامل بر حکمت و معرفت به آن و فراغت برای آن همه در شأن ولی اولیاء است.

۷- حکمت تنها گمشده اوست. و تنها حاجتی است که از آن سؤال می کنند.

۸- گمنامی و غربت در غربت اسلام غربت اهل البیت (عج) در طول تاریخ و ...

۹- او بقیة الله و بقیة حجج الهی (ع) است.

۱۰- او خلیفه ای از خلفای پیامبران علیهم السلام است.

۱۱- بحث حکومت و عالیترین مراحل آن ویژه پیامبران و اولیاء الهی است.

"یؤتی الحکمه من یشاء و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً"

در قرآن کریم می خوانیم خداوند بهر کس حکمت بدهد همانا خیر و کوثر عنایت فرموده. و حکمت استحکام و اتقان در اعتقاد و اخلاق و عمل و

علم و بصیرت و تشخیص حکیمانه و عمل حکیمانه است.

و حکیم صفت خداوند و صفت فعل اوست.

و حکیم قرآن اوست. یس و القرآن الحکیم.

و حکیم پیامبر عظیم الشأن و پیامبران (ع) اند.

آنها نه تنها لباس حکمت را بلکه سپر حکمت را پوشیده برای صیانت از حکمت و استواری و استحکام در راه و در رابطه با اهداف متعالی الهی و

حکمت از مراتب یقین است. (در نامه (۳) به حکمت علمی و عملی تقسیم می شود). در هر صورت آن امام همام (ع) پاسدار حکمت و حافظ شریعت

و چشمه سار حقیقت و مایه صیانت از حقایق نورانی قرآن است.

۱۲- آن بزرگوار مؤدب با داب الهی است. همانطور که جد اطهرش فرمود:

"ادّ بنی ربی فاحسن تأدیبی" - و یا نحن (أنا) "صنایع ربنا و الناس بعد صنایع لنا" صفات دیگر نیز جهات یاد شده را تأیید و تقویت می نماید.

در هر صورت بنظر می رسد مصداق کامل و اتم این بیان نورانی وجود مبارک حضرت بقیة الله ولی عصر ارواحنا فداه باشد. بلکه ظاهر وجود نورانی

آنحضرت است نه اینکه مصداقی فراوان داشته باشد و فرد اکمل و اتم امام عصر (عج) باشد.

ح - اللهم بلی لا تخلوا الأرض من قائم لله بحجة أما ظاهراً مشهوداً و اما خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله و بیناته تا آخر.

بارخدا یا. آری زمین از قیام کننده برای خداوند بعنوان حجت خالی نمی ماند. و زمین خالی از حجت نمی باشد. یا در میان مردم ظاهر و آشکار است و

یا ترسان و پنهان تا حجت های خداوند و دلایل روشن او باطل نگردد. و چه تعداد هستند ایشان و کجاوند آنها.

سوگند بخداوندی خدا که ایشان از نظر عدد و شمارگان بسیار کم اند و از لحاظ ارزش و قدر و منزلت در پیشگاه خداوند با عظمت هستند.

خداوند بوسیله آنها حجت ها و دلایل روشن خود را حفظ می کند. و معارف حقه را پاس می دارد. تا آنها را در نزد امثال خود بودیعت گذارند. و در

دلهای اشیاء خود بکارند.

علم به حقیقت بینایی و بصیرت به آنها هجوم آورده و با روح یقین مباشرت و ارتباط نزدیک دارند. و آنچه را مترفان سخت و مشکل دیده اند برای

آنان آسان و نرم است. و از آنچه را جاهلان و نادانان وحشت دارند ایشان انس و الفت دارند و در دنیا با بدنهایی مصاحبت دارند که اوراح آنها به

محل اعلا تعلق دارد. ایشان خلفای خداوند در زمین و دعوت کنندگان بدین خدا هستند.

آه. آه چه قدر اشتیاق ملاقات و دیدار ایشان را دارم. در این خطبه شریفه مردم به گروه علمای ربّانی و متملقان در راه نجات و فرومایگان نا بخرد و بی

هویتی تقسیم می شوند که با هر بادی بسمتی حرکت خواهند کرد.

و جوهره بحث ایشان علمای ربانی اند - که چراغ هدایت و مشعل نجات را به دست گرفته و عارفانه و عاشقانه در راه حق می کوشند. و از بصیرت و اخلاص لازم برخوردارند. و دچار شک و تردید نمی شوند. و خود را بدینا و مال و منال و جاه نمی فروشند - و فریب زرق و برق و شبهات را نمی خورند. و اسیر لذات و شهوات دنیا نمی شوند.

و اهل جمع و ذخیره سازی و مال اندوری و غرور و غفلت نیستند. و جهات فراوان دیگر.

این را به دو نکته دیگر اضافه کنید. که فرمود: ان هذه القلوب اوعیه فخرها او عاها (این دلها ظرفهای هستند و هر چه ظرفیت دل بیشتر باشد نشان از گنجایش و بهتر بودن آن دارد).

و پس از تقسیم و دسته بندی طالبان ظاهری علم هر بار فرموده "لاذا و لاذاک" نه اینان نه آنها آنگاه به ترسیم چهره حقیقی علماء ربانی و عارفان صمدانی می پردازد. و ابعاد شخصیت ملکوتی ایشان را به تصویر می کشد و عالیتترین مصداق اهل حکمت و یقین را توصیف نموده و مجسم می سازد.

جمع بندی و نتیجه گیری. موضوع امامت و اهل البیت (ع) و اخبار غیبی و ملاحم و از جمله موضوع مهدی موعود (عج) در نهج البلاغه از جایگاه

بلندی برخوردار است. امام امیرالمؤمنین (ع) در لابلای سخنان شیرین و گرانسنگ و خطبه های بلند و جاویدان خود به موضوع امام زمان (ع) و شرایط عصر غیبت و ظهور و تحولات آینده جامعه بشری پرداخته اند. و در رابطه با ویژگیها و شخصیت امام عصر ارواحنا فداه و برنامه ها و اقدامات آنحضرت و تحولاتی که بدست با کفایت آن بزرگوار در جامعه بشری بوجود خواهد آمد اشاره نموده اند. و از یاران و همراهان و برنامه های عصر ظهور و افق سپهر وجودی دولت کریمه سخن گفته اند؛ در این رابطه بر محورهای ذیل تأکید شده است.

۱- سیره عدالتخواهانه و رویکرد عدالت گسترانه یکی از ویژگیهای آنحضرت بوده و منطبق با هدف گسترش عدالت در سطح جهان و احیای سیره عادلانه رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین است. که بدست توانای ولی عصر (عج) در جهان تحقق خواهد یافت. و هدف بزرگ پیامبران عظیم الشان الهی عملی خواهد شد "لیقوم الناس بالقسط."

۲- مبارزه با فساد و بکارگیری کارگزاران عدالتخواه و عدالت پرور از دیگر ویژگیها و برنامه های آنحضرت خواهد بود. دستگاه دولت کریمه در تمامی سکنات عدالتخواه بوده و با کارگزاران نامتناسب قاطعانه برخورد خواهد نمود و دست اشرار و مفسدان و تبهکاران را از سر مردم کوتاه خواهد کرد. و با فاسدان و منحرفان برخورد خواهد نمود. و آنها را به بدیشان مؤاخذه خواهد کرد.

۳- تکامل عقول بشری و تکامل صنایع الهی در جامعه انسانی و تحولات عمیق و عظیم روحی و فکری و معنوی از دیگر آثار و برکات آن عصر است.

۴- گنجینه های زمین در اختیار آنحضرت قرار خواهد گرفت. و زمین گنج های خود را آشکار خواهد کرد. بمعنی وسعت علم و دانش و توانایی و مهارت بشر در مهار طبیعت و استفاده از ظرفیتهای و استعدادهای خدادادی عالم وجود است - چه انسانها متعالی و متکامل خواهند شد و چه راه دسترسی به منابع و امکانات خلقت تسهیل خواهد شد.

۵- قرآن حاکم می شود. پس از آنکه آراء باطله و سلیقه های انحرافی قرآن را بنفع خودشان تفسیر می کردند و مردم را به بیراهه می بردند. اکنون زمان

احیای قرآن و احیای احکام نورانی آن و قطع دست شیاطین و اجانب است.

همه به سرچشمه های نورانی قرآن دسترسی پیدا خواهند کرد و از شهد حقایق قرآن سیراب خواهند شد. و از لطائف و معارف قرآن بهره مند خواهند گشت.

۶- همه جا آثار هدایت تجلی خواهد کرد. بجای آنکه هواها و هوسها حاکم باشد.

۷- امام و رهبر و کارگزاران حکومت بهترین الگوها خواهند بود.

۸- در افکار و اندیشه ها و بینش ها و روشها تحولات همه جانبه ای ایجاد خواهد شد.

۹- عقلا کامل، بصیرت ها عالی، چشمها بینا و گوشها شنوای حق و حقیقت و تشنه معرفت خواهند شد.

۱۰- دست تطاول ستمگران و زیاده خواهان و باطل اندیشان از سر جوامع انسانی کوتاه خواهد شد.

۱۱- چراغ اهل البیت دوباره جهان را روشن خواهد ساخت. و فرشته عدالت بر جهان حاکم خواهد شد. "بقیة من بقایا حجة خلیفة من خلائف انبیائه".

* امیر مؤمنان در فرازی در سخنان گوهر بار و فیوضات لاهوتی خود شرایط و مسائل دوران آخر الزمان را ترسیم و تبیین می فرمایند:

"إِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبَ الدِّينِ بِذَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ".

و چون آن روزگار فرا برسد، پرچمدار دین با پیروان خود حرکت کند پس یاران او چون ابر پائیزی گرد او جمع شوند، یا چون آن روزگار و آن

شرایط فراهم شود، سرور و بزرگ دین حرکت کند (ضرب) و در زمین مستقر شود. (بذنبه) و یاران و اصحاب و انصار او نیز گرداگرد او جمع شوند. و

ندای قل جاء الحق در زمین بلند شود و پرچم توحید به اهتزاز در آید و ...

يعسوب بمعنى ملكة زنبور عسل و امیر یخل بمعنى سید و سرور و مدیر و مدبر قوم بمعنی رهبر و صاحب اختیار آمده و در جای دیگر نهج البلاغه امام

(ع) فرموده اند، انا يعسوب الدين و المال يعسوب الفجار بمعنى من يعسوب و امیر دین هستم و مال امیر فجّار و نابکاران است.

سید رضی (ره) می فرماید: سید عظیم که مالک و صاحب اختیار امور مردم باشد لقب يعسوب الدین از القاب مشهور حضرت امیرالمؤمنین (ع) است

(حکمت ۳۱۶) در اینجا که امام (ع) به شرایط خاصی اشاره فرموده و از نابسامانها و گرفتاریهای آن روزگار و شرایط عصر ظهور سخن گفته چون آن

شرایط و روزگاران فرا برسد. يعسوب دین حرکت خواهد کرد. و یاران او همانند پاره هایی (برکه ه یکدیگر متصل می شوند. به آن حضرت خواهند

پیوست) و انقلاب جهانی مهدی موعود (ع) شکل خواهد گرفت.

واضح است، که امام (ع) به شرایط قیام امام عصر (عج) و انقلاب جهانی آنحضرت اشاره دارند و آن بزرگوار است که بعنوان يعسوب الدین بیا خواهد

خواست. و چه بسا مفهوم ضرب بذنبه یعنی حرکت خواهد کرد. بیا خواهد خواست قیام خواهد کرد.

در کتاب لسان العرب اینگونه آمده یعنی آنحضرت (يعسوب دین) با پیروان خود در زمین به راه خواهد افتاد. یا به عبارت دیگر پیشوای دین و رهبر

امت اسلامی قیام خواهد کرد. پس مسلمانان و یاران آنحضرت چون ابرهای پائیزی گرد او آیند.

در خطبه ۱۸۲ نیز این تعبیر راجع به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء آمده است و قبلاً اشاره شد و ضرب بعسیب ذنبه و ألصق الأرض بحرانه.

البته در ترجمه جمله قبلی و با کمک جمله های دیگر آن بخش از خطبه شریفه بنظر رسید که آنحضرت خود را بر زمین می گذارد و مانند شتر

خوابیده اصطلاحاً بروک می کند. و جلوی سینه را روی زمین گذاشته و می خوابد و دم را بر زمین می زند. کنایه از عدم تحرک، عدم فعالیت فهو

مفترب تا زمان مقدر و اراده الهی فرا برسد؟! در اینجا جمله دوم بکار نرفته البته می توان بمعنی حرکت گرفت و چه بسا بمعنی قرار گرفتن و مستقر شدن باشد.

مرحوم ابن میثم بحرانی در اینجا سه احتمال می دهد:

۱- ذنب را کنایه از یاران و اصحاب و انصار گرفته و جمله را چنین معنا فرموده، آنحضرت با یاران و اعوان و ابنا عش حرکت می کند.

۲- ضرب النحل بذنبه بمعنی گزیدن و حمله زنبور با نیشش گرفته و کنایه از تجهیزات و ابزار و ادوات دفاعی و تهاجمی و آمادگی همه جانبه در برابر دشمنان و فتنه گران گرفته (عن نصبه سیوفه و سمومه فی اعدائه)

۳- آنرا کنایه از انقلاب و غضب و ثوران برای دین خدا و اقامه قسط و عدل گرفته و این وجه را شبیه دانسته و جمله دوم را کنایه از سرعت اجتماع و الفت یاران آنحضرت برای پیروزی و قیام جهانی آن بزرگوار دانسته است.

در روایات دیگر نیز مطالب ارزشمند و آموزنده ای از سخنان امیرالمؤمنین درباره امام عصر (عج) رسیده است از آنجمله تفسیر آیه شریفه کوكب درى بوجود مبارك امام عصر (ع) شده یا بعنوان یکی از مصادیق این آیه کریمه با آنحضرت منطبق شده و الکواکب الدرّی هم القائم المنتظر (ع).

در این رابطه روایات و سخنان دیگر از آنحضرت رسیده که علاقمندان می توانند به کتب معروف از جمله نهج الفصاحه مرحوم علامه شوشتری در شرح نهج البلاغه ج ۶ ص ۱۹۶ تا ۲۰۰ و مباحث مربوط به ملاحم در این باب و در شرح خطبه های نهج البلاغه مراجعه نمایند.

خداوند توفیق معرفت، حکمت و ادب بهمه ما عنایت فرماید. و ما را شمول دعاهاى خیر آن بزرگواران قرار دهد. بمنّه و کرمّه.

اللهم تقبل منّا برحمتک و لطفک و کرمک بحق محمد و اله الطاهرین. (ع)